

Political, social and economic challenges of Population decline in Islamic republic of Iran

Abstract:

In the view of Hans Morgenthau, size of population is one of fundamental factors that national power is depended to it. In the process of evaluation of power distribution in the future, forecast of process of population growth plays important role. This research studies relation between political ideologies, lack of balance in structure of Iran population and impacts of them on national security of Islamic republic of Iran. Political ideologies undeniable effects on national security and sustainable development by effect on population, political. Cultural and social changes. Survey of relation among political ideologies and population changes is the purpose of this research. Findings of this research show that there is relation among political ideologies such as economic liberalism, Malthusianism, Neo-Malthusianism, social Darwinism, feminism and population changes of countries and consequently such population changes effect national security of Iran. And process of population growth has effect on power and national security. Method of this research is description-analytical and collection of informations is by using of library resources and documental survey.

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره پنجم، مرداد ۱۴۰۱، صص ۸۱۸-۸۰۲

چالش های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کاهش جمعیت در جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۲۸

رضا التیامی نیا^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۳

چکیده:

تحلیل جمعیت یا نیروی انسانی بحث گسترده و دامنه داری است و می توان آن را از منظرهای مختلف بررسی کرد. بررسی تحولات جمعیتی ایران از منظر اقتصادی، امنیتی و سیاسی از جمله اهداف و موضوع این پژوهش می باشد. محققان امنیتی مطالعه تاثیرات عدم تعادل در ساختار جمعیتی کشورها از جمله افزایش پیری جمعیت و چگونگی واکنش آینده کشورها به این چالش را در دستور کار خود قرار داده اند. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال است که تاثیر چالش ها و روندهای جمعیتی بر امنیت ملی ایران چیست و اساسا چالشهای کاهش جمعیت ایران کدامند. یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد موضوع های جمعیتی به طور مستقیم و غیر مستقیم، در پیوندی ناگسستنی با مسائل امنیتی هستند و در تضعیف یا تقویت امنیت ملی اهمیت بسزایی دارند. جمعیت با توجه به ویژگی ها و صفات ملی، در ارزیابی قدرت و امنیت کشورها عامل موثری است چون جمعیت عامل یا متغیر مستقل برای رویدادهای امنیتی نوین می باشد و اثر بخشی سیاسی آن را می توان در حوزه سیاست بررسی کرد. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است.

واژگان کلیدی: تغییرات جمعیتی، چالش ها، قدرت ملی، انسجام ملی

¹ -استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه یاسوج-گروه علوم سیاسی-eltyam81@yahoo.com

۱-مقدمه و بیان مسئله

پژوهش‌های مختلفی نشان می‌دهد که باروری در جوامع مختلف کاهش یافته است و جوامع زیادی در دهه های آینده زوال جمعیتی را تجربه خواهند کرد و این خود مشکلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بسیاری را برای جوامع ایجاد می‌کند. برخی معتقدند کاهش جمعیت امری مطلوب است و باعث کاهش مشکلات اقتصادی و زیست محیطی می‌شود ولی لزوماً چنین نیست و بسیاری از معضلات اقتصادی و زیست محیطی ناشی از سبک زندگی نادرست است نه تعداد انسانها. مدت زیادی از انتشار کتاب بمب جمعیت، نوشته پائول ارلیک می‌گذرد. این آثار و خبرهای رسانه ای و بیانیه های مطبوعاتی برخی از نهادها و سازمانهای کشورهای جهان باعث شد ما پیوسته این تصور را داشته باشیم کاهش جمعیت مطلوب است و به عواقب کاهش جمعیت در بلند مدت توجه نکردیم. انقلاب صنعتی و انقلاب سلامت باعث شد رشد جمعیت افزایش یابد ولی لزوماً ناشی از افزایش باروری نبود. رشد جمعیت خیلی از کشورها از جمله امروز زیر خط جایگزین قرار دارند. هر اتفاقی که در سیاست، فرهنگ، ارزشها و انگاره ها و اقتصاد می افتد خانواده و جمعیت را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

میزان جمعیت یکی از عوامل اساسی است که قدرت ملی به آن بستگی تام دارد. در تلاش برای ارزیابی توزیع قدرت در آینده، پیش بینی روند رشد جمعیت نقش مهمی ایفا می‌کند. پژوهش حاضر به مطالعه تغییرات جمعیتی و عدم تعادل در ساختار جمعیت ایران و تاثیر آن دو بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد (مسئله پژوهش). در انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران، عوامل زیادی نقش داشت که یکی از آنها جمعیت جوان بود. در تاریخ معاصر ایران، هر قدر جمعیت افزایش یافته نه فقط انگیزه های مادی افزایش نیافته بلکه در مواقع متعددی، جای خود را به انگیزه های معنوی و الهی داده و این امر در انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی قابل مشاهده است (رمضان نرگسی، ۱۳۹۰، ۱-۵). مطالعات و بررسی های تاریخی نشان می‌دهد که رشد سریع جمعیت و حتی به اصطلاح انفجار جمعیت در سرزمین بخصوصی موجب به وجود آمدن نیروی متشکل با قدرت کافی گردیده است تا انسان ها را مجبور کند روش کار و زندگی خود را تغییر دهند و از زمین به نحو موثری استفاده کنند که این موضوع خود در مراحل بعدی پیشرفت و تحول، باعث سوق دادن آنها به سوی یک جامعه صنعتی و بازرگانی گردیده است. اصولاً هرگز ثابت نشده است که سرعت ازدیاد جمعیت به توسعه اقتصادی لطمه وارد می‌کند. اروپا در سال های بین ۱۸۵۰ تا ۱۹۲۰، بیشترین درصد موالید را داشته است یعنی در زمانی که بیشترین درجه توسعه اقتصادی را نیز به دست آورده است. ایالات متحده آمریکا مثال دیگری است که نشان می‌دهد حتی افزایش سریع جمعیت به علت مهاجرت نه تنها پیشرفت اقتصادی را کند نمی‌کند بلکه در مواردی نیز به آن سرعت می‌بخشد به علاوه ژاپن نیز نمونه بارزی از همگامی ازدیاد جمعیت و توسعه اقتصادی است. چین از دیگر کشورهایی است که جمعیت زیاد باعث توسعه اقتصادی و صنعتی این کشور شده و به پشتوانه جمعیت خود از قدرت

سیاسی و امنیتی بالایی نیز برخوردار شده و تهدید داخلی چندانی نیز در این کشور وجود ندارد (الهی، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

به جمعیت جوان می بایست به مثابه نیرویی نگاه کنیم که می تواند در ایجاد و تقویت امنیت سهیم باشد. همانطور که برینارد^۱ و همکاران وی می گویند: نباید به جمعیت جوان به مثابه یک تهدید نگاه کنیم. در عوض باید جمعیت جوان را به مثابه یک منبع ارزشمند در نظر بگیریم و مورد حفاظت و حمایت قرار دهیم. این نگرش به ما این آزادی عمل را می دهد تا سیاست ها و خط مشی هایی را ارتقا دهیم که توانمندی جوانان را تقویت می کند و آنها را از چرخه خشونت جدا می کند (Sciubba, ۲۰۱۱: 1-10). ایران هم یکی از کشورهایی است که دارای درصد قابل توجهی از جوانان می باشد. هدف برنامه تنظیم خانواده ایران در سال ۶۸ رسیدن به کمتر از ۴ فرزند و کاهش درصد رشد جمعیت به ۲.۳ در سال ۸۵ بود و این هدف گذاری مقبول، مصداقی از تعریف و نوع نگاه اول است. میانگین نرخ باروری کل در جهان ۲.۵ فرزند است ولی این شاخص در ایران ۱.۷۸ فرزند است. ما در این شاخص در منطقه خودمان در بین ۲۶ کشور از آخر دوم هستیم و بر طبق آمار ۲۰۱۴ رتبه فرزند آوری ایران در بین ۲۰۹ کشور، رتبه ۱۴۶ است. محمد زاده با اشاره به پژوهش یکی از موسسات آمریکایی درباره کاهش نرخ باروری در جهان اشاره می کند که در این پژوهش شدت کاهش نرخ باروری کل در سه دهه اخیر برای دنیا ۳۳ درصد، در کشورهای جهان اسلام ۴۱ درصد و برای ایران کاهش سه برابری و از عبارت حیرت آور که در تاریخ بشریت نظیر ندارد، استفاده شده است (محمد زاده، ۱۳۹۳). تغییر نقش زنان در جامعه، فاصله گرفتن از ارزشهای سنتی و اجتماعی، بازتعریف مفهوم مادر بودن و ترجیح دادن ارزشهای فردی بر ارزشهای دینی و خانوادگی باعث کاهش نرخ باروری در بسیاری از کشورها از جمله ایران شده است. البته بیکاری و عدم حمایت از تولید و رونق تولید در کشور، و عدم حمایت از زنان خانه دار و مادری در ایران، محرکهای اقتصادی برای ازدواج و فرزندآوری را نیز کاهش داده است و همه این مسائل باید در کنار هم دیده شوند. مسئله پژوهش حاضر این است که با توجه به اهمیت و ضرورت ساخت مسائل جمعیتی و ارتباط وثیق تحولات جمعیتی ایران با توسعه و سیاستگذاری، کاهش جمعیت و افزایش جمعیت مسن کشور چه تاثیری بر توسعه و امنیت ملی کشور دارد. فرضیه پژوهش حاضر این است که توسعه و پیشرفت در یک سرزمین، به جمعیت انسانی و قدرت تولیدی آن بستگی دارد. چالش مهمی که کشور در آینده با آن ممکن است مواجه شود این است که کاهش باروری و افزایش جمعیت مسن کشور پویایی و رونق اقتصادی کشور را دچار مشکل می کند و ایران مجبور خواهد شد برای تامین نیروی انسانی به کشورهای دیگر متوسل شود و این امر پیامدهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی فراوانی برای کشور در پی خواهد داشت. ورود نیروی انسانی مهاجر از خارج به داخل کشور می تواند تجانس اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور را در معرض خطر قرار دهد.

۲- روش تحقیق

1 - Brainard

پژوهش حاضر با رویکرد پژوهشی و کیفی، رابطه تغییرات و حرکت های جمعیتی، آسیب ها و تهدیدات ناشی از آن را بررسی می کند. از لحاظ نوع تحقیق کاربردی می باشد و از لحاظ روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی می باشد.

۳- مبانی نظری پژوهش

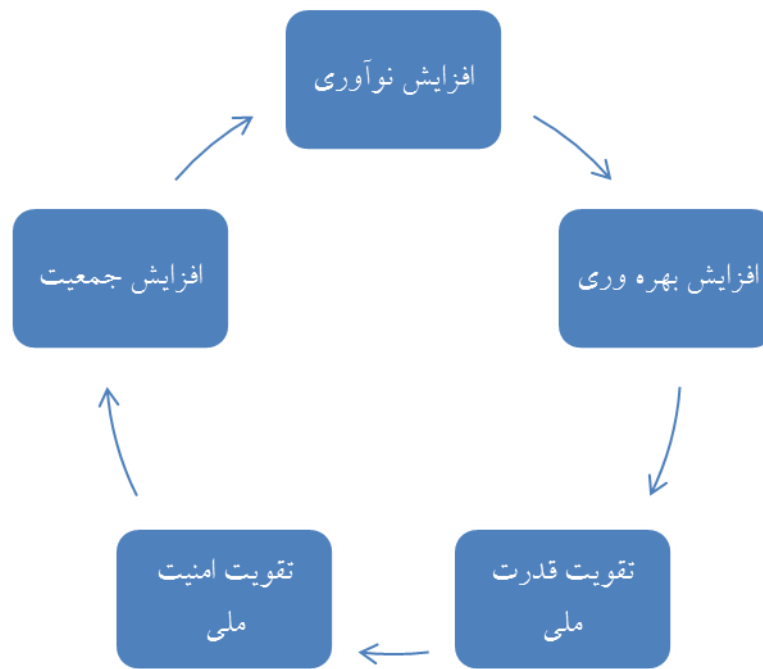
به گفته هانس مورگنتا، میزان جمعیت یکی از عوامل اساسی است که قدرت ملی به آن بستگی تام دارد لذا در تلاش برای ارزیابی توزیع قدرت در آینده، پیش بینی روند رشد جمعیت نقش مهمی ایفا می کند (متقی، ۱۳۹۳: ۵۶۱). عامل جمعیت رابطه تنگاتنگی با توسعه دارد و روند توسعه، جهت گیری و میزان آن تابعی از کم و کیف جمعیت است. افزایش جمعیت، حجم نیازهای مادی و معنوی جامعه را افزایش می دهد، علاوه بر این، کیفیت و الگوی زندگی نوع بشر نیز به دلیل نوگرایی سرشت انسان، دائما در حال تغییر و تحول است و بشر، متناسب با امکانات خود، الگوهای گذشته را کنار می نهند و روش و شیوه زندگی خود را با الگوهای جدید تنظیم می کند (حافظ نیا، ۱۳۹۷: ۱۲۳-۱۲۴). عزتی معتقد است هرگاه افراد بین سنین ۲۰ تا ۶۵ سال بیش از ۳۵٪ کل جمعیت یک کشور را تشکیل دهد چنین سرزمینی از بهترین و مطلوب ترین عوامل ژئوپلیتیکی به منظور حفظ امنیت، ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی برخوردار است (عزتی، ۱۳۷۱: ۵۵). هانس مورگنتا معتقد است با برابر فرض کردن سایر عوامل، کاهش شدید نیروی انسانی یا جمعیت یک کشور در مقایسه با رقبایش در صحنه بین الملل، متضمن کاهش قدرت ملی است و افزایش چشمگیر آن، در شرایط مشابه به افزایش قدرت ملی می انجامد. در اندازه گیری قدرت یک دولت، علاوه بر عواملی چون منابع قابل دسترس، وضعیت دیپلماتیک دولت و نفوذ در مجامع بین المللی، هویت و فرهنگ ملی کشور، جمعیت و ساختار آن از مولفه های مهم می باشد (مورگنتا، ۱۳۴: ۲۲۳-۲۲۵).

چالشهای پنجگانه توسعه در جامعه داخلی ایران به میزان زیادی در سیاست خارجی و مناسبات جمهوری اسلامی ایران با سایر جوامع و کشورها نیز بازتاب می یابد. چالش یا بحران هویت، به اتخاذ نقش های ملی متفاوت و حتی متعارض در سیاست خارجی منجر می شود. بحران مشروعیت، روحیه ملی به معنای درجه حمایت ملت و مردم از سیاست ها و اقدامات دولت در عرصه خارجی را کاهش می دهد، چالش مشارکت نیز سیاست گذاری خارجی دموکراتیک مبتنی بر مطالبات و منافع ملی را با مشکل مواجه می سازد. بحران نفوذ و توزیع نیز موجب ناتوانی در تامین یکپارچگی و وحدت ملی و تعیین منافع ملی بر حسب برآیند منافع گروهی و اجتماعی مختلف می گردد (فیروز آبادی، ۱۳۸۸: ۱۰۰-۱۰۱). چالش کاهش جمعیت و افزایش پیری جمعیت در کنار بحران های فوق علاوه بر ایجاد زمینه های آسیب پذیری های داخلی، کاهش قدرت و امنیت ملی و رشد اقتصادی را نیز در پی دارد.

روندهای جمعیتی نظیر تغییر ساختار سنی جمعیت، شهر نشینی و تراکم جمعیت عنصر فوق العاده مهم محیط امنیت بین المللی هستند. چنین روندهایی حداقل سه نوع پیامد امنیتی دارند: این روندها و تغییرات

جمعیتی می توانند ماهیت منازعه را تغییر دهند، می توانند ماهیت قدرت ملی را تحت تاثیر قرار داده و منابع منازعات آینده را نیز متاثر سازند (Nichiporuk, 2000, 1-3).

برخلاف بسیاری از نظریاتی که افزایش جمعیت و رشد جمعیت را تهدیدی برای امنیت ملی می بینند و جمعیت زیاد را سرشار تلقی می کنند کشوری چون چین و ژاپن دارای تراکم جمعیتی بالا هستند و جمعیت زیاد هم دارند ولی لزوماً تمام جمعیت چین دارای مهارت و سواد بالا، قدرت تجزیه و تحلیل بالا نیست اما چون فرهنگ کار و تلاش قوی دارند جمعیت زیاد به عامل تولید قدرت برای چین و ژاپن تبدیل شد. هر چند که امروز رشد جمعیت ژاپن و کره جنوبی هم به شدت کاهش یافته است و در آینده پویایی و شکوفایی آنها با خطر جدی مواجه می شود. امنیت ملی هر کشور بدون شک در گروه توسعه شاخص های جمعیتی به عنوان یکی از الزامات توسعه است. مفهوم توسعه به شدت بر شاخص های توسعه انسانی متکی است و با مفهوم امنیت دارای ارتباط متقابل می باشند.



شکل ۱: مدل مفهومی: تاثیر افزایش جمعیت بر تقویت امنیت ملی

با وجود این، در کنار چالش هایی که ترکیب جمعیتی و قومی جامعه ایران می آفریند، فرصتهای زیادی را نیز فراهم می کند که تاثیر مثبت بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی در پی دارد. نیروی انسانی جوان و توسعه یافته، قدرت ملی را در زمینه های اقتصادی، فناوری و علمی ارتقا می بخشد. وجود قومیت های هم نژاد و هم زبان در ایران و کشورهای همسایه همان گونه که تنش زا و چالش آفرین است می تواند زمینه همکاری را نیز فراهم کند (فیروز آبادی، ۱۳۸۸: ۱۰۲). در ادامه به مهمترین یافته های پژوهش اشاره می شود.

۴- رویکردهای مختلف به جمعیت

در اوایل قرن بیستم، حاکمان اروپایی جمعیت را به عنوان منبع مهم رفاه کشور و قدرت نظامی می دانستند و حتی اطلاعات جمعیت را جز اطلاعات محرمانه می دانستند. نیروی دفاعی کشور را به جز کادر نیروهای مسلح، ذخیره نیروی انسانی ملت تشکیل می دهد که در دو مرحله به خدمت گرفته می شوند؛ مرحله اول در گروه سنی جوانان پسر عملی می شود بدین ترتیب که طبق قانون نظام وظیفه، هر فرزند پسر ایرانی ناگزیر از گذراندن دوره سربازی یا کسب معافیت برابر مقررات مربوط است. با برآورد جمعیت پسران کشور در سن ۲۰-۱۹ سالگی، می توان فعالیت و ظرفیت نیروی دفاعی و فعال کشور را تعیین کرد. مرحله دوم، دوره ذخیره و احتیاط است. دولت در مواقع بحرانی به ویژه جنگ، اقدام به فراخوانی این نیروها برای مشارکت در امر دفاع از کشور می کند (حافظ نیا، ۱۳۹۷: ۱۴۷). در نتیجه می توان گفت جلوگیری از رشد جمعیت راه حل مشکلات نیست بلکه تغییر سیاستهای استعماری دول مرفه بهترین راه حل مشکلات جهان و کشورهای در حال توسعه است. آمریکا کشوری است که بزرگترین تبلیغ کننده خطر رشد جمعیت است. جمعیت امریکا ۵ درصد جمعیت جهان است اما ۵۰ درصد منابع طبیعی غیرقابل جایگزین جهان را مصرف می کند. در کشورهای پیشرفته هر فرد روزانه بیش از ۳۵۰۰ کالری مصرف می کند ولی یک فرد جهان سوم کمتر از ۲۰۰۰ کالری مصرف می کند (حد اکثر ۲۴۰۰) (الهی، ۱۳۸۶: ۱۲۰-۱۳۰). مهم ترین مانع دشمن در جنگ های تجاوزکارانه، وجود جمعیت جوان و مولد است. ژاکلین کاسون (Jacqueline Kasun) در کتاب جنگ علیه جمعیت (The War Against Populations)، نشان می دهد که کنترل جمعیت جهانی، کاملاً منطبق بر پارامترهای دکنترین نظامی آمریکا و اروپا است و یک جنگ تمام عیار می باشد.

راسل که خود را یکی از شخصیت‌های طرفدار صلح در جهان می نامد در مورد مسئله جمعیت می گوید: جهان امروز با دو خطر اساسی و ویران کننده روبرو است، از یک طرف این خطر بزرگ که نسل بشر ممکن است با بکارگیری بمب هیدرو ژنی خود را نابود کند روز به روز بیشتر احساس می شود. در مقابل خطر دیگری وجود دارد و آن اینکه جمعیت این کره خاکی ممکن است آنقدر افزایش یابد که یک زندگی توأم با گرسنگی و فقر میسر باشد، مگر برای گروهی از مردم صاحب قدرت. هیچ چیز بیش از خطر جهانی فقر ناشی از ازدیاد جمعیت نمی تواند خطر کشیده شدن به یک جنگ اتمی را باعث شود. راسل برای رفع این مشکل به زعم خود پیشنهاد می دهد دو راه وجود دارد: ادامه یافتن ازدیاد جمعیت تا جنگ. جنگی که از هر جنگ دیگر در تاریخ بشر ویران کننده تر است. دوم، کاهش دادن نرخ رشد جمعیت که موجب رشد سریع اقتصادی و از بین بردن فقر و خاتمه جنگ و برقراری یک جامعه ملل متعادل می شود (Russell, 1964: 1). یوگن بلک که زمانی رئیس بانک جهانی توسعه و ترمیم بود می نویسد: کشورهای صنعتی خواست خود را برای کمک کردن به جهان سوم نشان داده اند اما رشد جمعیت خطری است که کوشش های ما را برای بالا بردن استانداردهای زندگی در بسیاری از کشورهای فقیر خستی می کند. ژولیان هاکسلی نیز اظهاراتش نظیر راسل است وی می گوید: رشد زیاد جمعیت در کشورهای در حال توسعه، پیشرفت کشورهای صنعتی را نیز به خطر می اندازد لذا سازمان ملل و تشکیلات آن باید مسئله جمعیت را به

عنوان یک مسئله اصلی و فوری که باید سریعاً حل شود مد نظر قرار دهند و دانشمندان باید کوشش خود را مصروف یافتن وسایل موثر کنترل موالید کنند (Mudd, 1964:1).

استیون موشردر کتاب خود تحت عنوان: "کنترل جمعیت: هزینه های واقعی و مزایای توهمی"، توصیفی از اندیشه های راون هولت رئیس اداره جمعیت آمریکا ارائه می دهد: روان هولت رئیس اداره جمعیت آمریکا به عنوان یک بیماری شناس، آشکارا به باروری زنان به مثابه یک بیماری نگاه می کرد که باید به همان شیوه ای که تب زرد و مرض آبله ریشه کن شد باید ریشه کن شود. وی یک مردم ستیز جنگ طلب نیز بود. راون هولت عمل ضدبارداری، عقیم سازی و سقط کودکان زنان جهان را با تجاوز کاری انجام داد. وی دائماً درباره اینکه چگونه مقدار بیشتری از قرصهای کنترل موالید را توزیع کند و مطمئن شود که آنها به مصرف می رسند سخنرانی می کرد. وی از کمپانی های متصدی عقیم سازی توده مردم حمایت کرد و می گفت یک سوم همه زنان باردار در جهان باید به منظور تحقق اهداف سیاست کنترل جمعیت و حفظ منافع تجاری آمریکا در سرتاسر جهان عقیم شوند. راون هولت می گوید چنین اقدامات خشن و سخت گیرانه برای مهار انفجار جمعیت لازم بود چون اگر کنترل نمی شود سبب کاهش استانداردهای زندگی مردم جهان سوم می شد و وقوع انقلابها بر علیه حضور تجاری قوی آمریکا در جهان سوم را به دنبال خواهد داشت

(Zubrin, 2012: ۳۳-۵۴).

۲-۴. دیدگاه جامعه شناختی

در بررسی نیروی کار یک کشور، معمولاً جمعیت ۱۰ساله به بالا مورد محاسبه قرار می گیرد، ولی در عمل، همه این افراد آمادگی اشتغال پذیری ندارند و تنها بخشی از آنها بار فعالیت و کار را به دوش می کشند. از این جمعیت عده ای مشغول به تحصیل و به تعبیری مصرف کننده هستند. از سوی دیگر در تقسیم بندی گروه های کلان سنی، معمولاً دوره سنی ۱۵-۶۴ سال، سن فعالیت شمرده می شود. بنابر این جمعیت این گروه سنی قابلیت تولید نیروی کار دارند و بار تکفل مردم کشور را به دوش می کشند. نکته ای که درباره ظرفیت نیروی انسانی کشور چه از لحاظ اقتصادی و چه از حیث دفاعی باید به آن توجه داشت این است که ساختمان جمعیتی ایران در اثر سیاست های دولت در باب جمعیت، از اواخر دهه شصت دچار تحول شده و پایه هرم جمعیت رو به محدود شدن گذاشته است. پدیدار شدن روند کاهش در ظرفیت نیروی انسانی، در آینده کشور قابل پیش بینی است و این موضوع بر عرضه نیروی انسانی اثر کاهنده خواهد داشت (حافظ نیا، ۱۳۹۷: ۱۴۶-۱۴۸). در فرانسه، Giscard d'Estaing از مقامات ارشد فرانسه می گوید آینده زیستی جامعه ما و کودکان و نوه های ما بستگی به خانواده دارد. اگر خانواده نتواند کارکرد زیستی تداوم حیات جمعیت فرانسه تامین کند و اگر تعداد فرزندان که متولد می شوند نتواند به اندازه کافی جایگزین جمعیت مسن و سالخورده شود، کشور ما ضعیف و سست می شود و می میرد. ژاک شیران، رئیس جمهور فرانسه اصطلاح ملی گرایی اروپایی را مطرح می کند و معتقد است که: در اصطلاح جمعیت شناختی، اروپا در حال متلاشی شدن و نابودی است. بیست سال آینده، کشورهای ما خالی از سکنه اروپایی خواهد شد مهم نیست

قدرت تکنولوژیکی ما چقدر است ما قادر به استفاده از آن نخواهیم بود. این یک مسئله مهمی است که فرانسه به آن توجه کافی نکرده است (در مجله جمعیت و توسعه ۱۹۸۵) (King, 2002:7). با وجود اینکه خیلی از اقتصاد دانان و سیاست مدران غرب تحت تاثیر مالتوس، جمعیت را علت فقر می دانند اما همزمان به رشد جمعیت به مثابه علامت قدرت، رفاه و اقتدار در سطح ملی نگاه می کنند. مثلاً دولت آمریکا از قرن نوزدهم تا به امروز، مشوق رشد جمعیت سفید پوستان از طریق اعطای زمین و پذیرش مهاجران به عنوان ابزاری برای گسترش قدرت سیاسی خود در تمام اروپا و آمریکا شد (Merchant, 2015:42-43). در هر صورت پیری جمعیت اروپا چنانچه باعث تحولات فرهنگی و تقویت جمعیت مسلمانان شود تحولی مثبت است.

۳-۴. دیدگاه سیاسی

باشگاه رم، از اواخر دهه ۱۹۶۰، با شرکت گروهی از دانشمندان از جمله میدوس، فورستر و ارلیش، فعالیتهای علمی خود را آغاز کرد. این باشگاه به شدت تحت تاثیر اقتصاد سیاسی سرمایه داری مهار نشده قرار داشت. آنها با گرایش به مالتوس گرایی نو، روی این نظریه تاکید می کردند که مردان و زنان، زندانیان بلند مدت طبیعت هستند و جهت بقاء، لازم است مدلی از نظام جهانی تهیه شود که در آن مناسبات پنج متغیر یعنی رشد جمعیت، بازده مواد غذایی، بازده صنعتی، آلودگی و منابع طبیعی مورد ارزیابی ژرف قرار بگیرد (Stuart, 1988: 74).

مالتوس معتقد بود اگر جمعیت زیاد به منابع و رفاه دسترسی یابند مانع توسعه موثر تولید و توزیع عادلانه کالاها و خدمات برای بقیه جمعیت به خصوص مردم اروپا می شود. مارکس معتقد بود ابزارهای تولید اگر ملی شود تولید موثر و کافی غذا و کالاهای دیگر را تضمین خواهد کرد و سپس بر اساس نیازشان به طور عادلانه توزیع می شود و حکومت را قادر می سازد تا از جمعیت زیاد حمایت کند. فقر را به مثابه تنبیه فقرا و کشورهای دارای رشد جمعیتی بالا به خاطر گناه فرد نمی دید آنگونه که مالتوس و سرمایه داری معتقد است. از نظر مالتوس، سطح بهینه جمعیتی برای هر جامعه بستگی به منابع و تولید غذا دارد. وی معتقد بود که افزایش جمعیت و مازاد آن می تواند یک دولت ضعیف و فقیر بسازد. بدون منابع کافی، جمعیت مازاد فقیر و ضعیف می شوند و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و بهداشتی ایجاد می شود. مالتوس و حامیان تفکر وی معتقدند باید حمایت حداقلی از فقرا داشته باشیم و قوانین حمایت از فقرا با افزایش دستمزدها، افزایش بیکاری و تشویق کنشهای بخشندگی و کمک به خصوص ازدواج زودهنگام، فرزند آوری و نوشیدن منجر به فقر می شود. وی اشاره می کند فقرا باید به حال خود رها شوند و آنها باید دیر ازدواج کنند و فرزند آوری اندک و دیر داشته باشند. این باعث کاهش نرخ رشد جمعیت می شود بدون قوانین حمایت از فقرا، جمعیت فراتر از سطح عرضه غذای در دسترس رشد نخواهد کرد و فقر نمی تواند بیش از این گسترش پیدا کند (Marks And Engel, ۱۹۶۳: ۱۲۲).

مالتوس و پیروان وی با اتکا به تئوری خود معتقد هستند در آینده نزدیک جمعیت جهان تا آنجا افزایش می یابد که قحطی همه ابناء بشر را نابود می سازد. مالتوس طبقه حاکم را در این مورد تبرئه می کند و مقصر دانستن دولتهای سرمایه داری و طبقات ثروتمند در مورد فقر را مجاز نمی داند و کمک به فقرا را عامل افزایش جمعیت می داند و معتقد به یک قانون برای ثروتمندان و یک قانون برای فقرا بود مالتوس علت فقر جامعه را نه در ساختار جامعه و سیاستهای قدرتهای غربی و نظام های سرمایه داری ، بلکه در افزایش جمعیت این طبقه می دانست. مالتوس در ادامه تقصیر فقر و بیکاری را به گردن خود کارگران می اندازد. وی می نویسد علت اساسی فقر هیچ ارتباطی با شکل حکومت ندارد و یا با آن ارتباط اندک دارد. وی معتقد است طبقه فقیر نباید از طبقه ثروتمند انتظار ایجاد و ادامه موقعیت های کاری برای فقرا را داشته باشند لذا طبقه فقیر نباید به طبقه بالای جامعه انتقاد کنند و با آنها مخالفت کنند و نباید فقر خود را تقصیر آنها بدانند) (Malthus, 1890:4).

مالتوس گرایی و داروینیسیم اجتماعی نابرابری اجتماعی و اقتصادی در جوامع قرن نوزده و بیستم جهان را طبیعی جلوه دادند. هدف مالتوس توجیه نظم اجتماعی موجود در جهان از طریق طبیعی جلوه دادن فقر بود. وی حتی ادعا کرد کمک به فقرا باعث افزایش جمعیت آنها می شود. تفکر وی باعث شد قوانین کار ظالمانه و اجباری در بسیاری از کشورها پذیرفته شود و فقرا مجبور شدند کار اجباری در کارخانه ها با حقوق پایین را بپذیرند و نیروی کار لازم برای انقلاب صنعتی را فراهم کنند و ارتش ذخیره صنعتی قابل عرضه را برای دول صنعتی تولید کرد. برخی کشورها، ملت خود را یک خانواده می بینند و به دنبال احیای گذشته شکوفای خود هستند و زنان را تشویق به ماندن در خانه و تربیت کودکان می کنند و مخالف سقط جنین برای اعضای گروه قومی خود هستند. حتی در اسرائیل و فرانسه، رومانی، سنگاپور و کشورهای اروپایی، مقرری ماهانه کودکان وجود دارد. البته اسرائیل، مسلمانان و دروزی ها را از سیاست تشویق فرزند آوری محروم ساخته است. ایدئولوژی ملی گرایی و قومی در اسرائیل و برخی از کشورهای اروپایی بر نقش زنان به مثابه مادر و ستون خانه تاکید دارد و ایده زنان به مثابه کارگران و سازندگان ملت در کنار مکلف ساختن زنان جهت بازتولید و تکثیر جمعیت یهود در اسرائیل نیز به شدت تبلیغ می شود. دسترسی زنان اسرائیلی به سقط جنین و وسایل ضد بارداری منع مذهبی و ملی گرایی دارد (Yishai, 1993). مارکس و انگلس فقر و گرسنگی و ناامنی اجتماعی را به عدم توازن بین جمعیت و مواد غذایی نسبت نمی دهند بلکه به شیوه تولید سرمایه داری نسبت می دهند که در آن جمعیت و کارگران تولید می کنند و انباشت سرمایه هم ایجاد می کنند و مازاد تولید ایجاد می شود ولی این جمعیت را جمعیت مازاد نسبی می داند. آنها این ایده را که رشد جمعیت انسانی می تواند با قوانین طبیعی مدیریت شود رد می کنند و معتقدند که قانون مجرد و صریح جمعیتی فقط برای گیاهان و حیوانات وجود دارد. قوانین مالتوس تنها برای شیوه سرمایه داری مناسب است و اعتبار دارد. مارکس و انگلس معتقدند که تئوری و اصل جمعیتی مالتوس برای این درست شد تا همزیستی رفاه افراطی و فقر افراطی را توجیه کنند. مارکس و انگلس از این طریق، طبیعی جلوه دادن فقر را توسط مالتوس و نظام سرمایه داری رد کردند و معتقدند که فقر ناشی و ذاتی نظام تولید سرمایه داری است نه علاقه

و روابط جنسی بین دو نفر زن و مرد و اضافه جمعیت آنگونه که مالتوس ادعا می کرد (Merchant, 2015, 42-43).

۵- ترکیب جمعیتی ایران

از نظر جمعیتی و انسانی جامعه ایران، ویژگی‌ها و شاخص‌های بسیار مهم و حتی منحصر به فردی دارد که به طور مستقیم و غیرمستقیم سیاست خارجی و توسعه ایران را تحت تاثیر قرار می دهد. یکی از خصوصیات برجسته جمعیتی ایران، جوان بودن آن است. جمعیت جوان، دولت را با مطالبات و تقاضاهای خاصی مانند اشتغال و کارآفرینی، آموزش، تامین مسکن، توسعه و رفاه اقتصادی مواجه می سازد. نیمی از جمعیت کشور را نیز زنان تشکیل می دهند و ترکیب قومی، زبانی و مذهبی جمعیت ایران نیز مهم است (فیروز آبادی، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

جمعیت ایران در دهه های گذشته (از سال ۱۳۳۵ به بعد) دائما در حال افزایش بوده است؛ به طوری که ضریب رشد آن طی دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ به بالاترین حد خود رسیده است (۳.۲ درصد بدون مهاجرین). در دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵، تحولی عمده در میزان رشد جمعیت ایران رخ داده است و این میزان به ۱.۶ درصد کاهش یافته است. علت این کاهش را باید در سیاست های جمعیتی دولت و استقبال عمومی جامعه از سیاست های کنترل موالید (حافظ نیا، ۱۳۹۷: ۱۲۴) و مشکلات اقتصادی دانست. در برنامه چهارم و پنجم عمرانی کشور، مسائل ناشی از افزایش جمعیت و پراکندگی جغرافیایی نامتناسب آن در سطح کشور، انجام اقدامات لازم برای رسیدن به الگوی جمعیتی بهتر، نظیر تنظیم خانواده، توزیع متعادل جمعیت، تقلیل مهاجرت ها، تمرکز زدایی، اعلام برنامه ملی کنترل موالید، رفع موانع قانونی مربوط به جلوگیری از بارداری و اجرای برنامه های آموزشی کنترل موالید در دستور کار دولتهای ایران قرار گرفت (حافظ نیا، ۱۳۹۷: ۱۲۶).

موضوع بسیار مهم قابل ذکر این است با وجود پایین بودن درصد رشد جمعیت در کشورهای صنعتی، ازدیاد واقعی جمعیت به علت تراکم فوق العاده جمعیت در این کشورها بیشتر از رشد واقعی آن در کشورهای کم جمعیتی چون قسمت اعظم آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است. به علاوه مصرف بالای مردم کشورهای صنعتی نسبت به کشورهای عقب نگه داشته شده در حد بسیار بالایی قرار دارد. به طوری که هر نفر که به جمعیت کشورهای صنعتی افزوده می شود چندین و چند برابر هر نفری که در کشورهای عقب نگه داشته شده یعنی کشورهای اسلامی و جهان سوم به دنیا می آید از نظر مصرف مواد غذایی و صنعتی و... در نابود کردن ثروت های زیر زمینی و فرآورده های کشاورزی موثر است برای مثال یک نفر آمریکایی به طور نسبی هفت برابر و یک اروپایی، پنج برابر بیشتر از آنچه نیاز واقعی انسان است مواد غذایی مصرف می کند با مواد غذایی مصرفی اضافی جامعه آمریکا می توان تمامی جمعیت هندوستان و چین را تغذیه کرد. جمعیت آمریکا ۵ درصد جمعیت جهان است ولی ۵۰ درصد منابع طبیعی غیر قابل جایگزین جهان را مصرف می کند همینطور هر کودکی که در آمریکا متولد می شود یکصد مرتبه محیط زیست را بیشتر از یک کودکی که در هند یا ایران متولد می شود با به کار بردن ماشین ها، مصرف انرژی، مواد مصنوعی و غیره آلوده می کند

مصرف کالری روزانه هر فرد اروپایی و آمریکایی ۳۵۰۰ کالری است ولی متوسط کالری لازم برای هر انسان حدود ۲۵۰۰ کالری در روز است. بنابراین این تبلیغ و توصیه کنترل رشد جمعیت یکی از حربه های رسیدن به هدفهای امپریالیستی غرب است زیرا کم شدن جمعیت یا عدم رشد جمعیت در کشورهای به اصطلاح در حال توسعه، از به وجود آمدن گروههای فعال جوان که علیه جهانخواران بین المللی دست به انقلاب بزنند جلوگیری خواهد کرد و از ایجاد مصرف کننده جدید جلوگیری می کند (الهی، ۱۳۸۳: ۱۴۵-۱۵۶).

۶- تاثیرات کاهش جمعیت

امنیت پایدار در هر کشور درگرو قدرتمندی آن است و مخصوصا به نیروی انسانی آگاه و کارساز وابسته است که با مدیریت صحیح از محیط و جمعیت، بهره مندی و بهره وری درست و گسترده به عمل آورد. میزان جمعیت یک کشور عامل مهم و قابل ملاحظه است زیرا توانایی ایجاد یک نیروی قوی تامین افراد مورد نیاز به میزان جمعیت یک کشور بستگی دارد. در طول تاریخ ابعاد کمی انسانی و جمعیت زیاد برای دفاع و آبادانی کشور اهمیت فراوان تری داشته و نوعی امتیاز و پایه قدرت و امنیت محسوب می شده است. صرامی یکی از علل شکست کویت و اشغال کامل آن توسط عراق را کمی جمعیت و وسعت آن می داند و معتقد است در مورد جنگ ایران و عراق یکی از دلایل موفقیت های ما، جمعیت نسبتا زیاد کشور و آمادگی دفاع همگانی بود (صرامی، ۱۳۹۰: ۱-۴). تغییرات جمعیتی می تواند چالش های زیر را در پی داشته باشد:

۶-۱. چالش هویتی و بقای ملی

زمانی که جمعیت کشور به مثابه یک کل کاهش می یابد روندها و تغییرات جمعیتی می تواند ویژگی و شخصیت یک ملت یا جامعه را تغییر دهد. روندها و تغییرات جمعیتی در چگونگی تصور ملتها از خود تاثیر دارد. در طی دو یا سه دهه گذشته، باروری در ایران، اروپای غربی، اروپای شرقی، کانادا، استرالیا و بسیاری از کشورهای آسیایی به زیر آستانه یا میزان جایگزینی رسیده است و این بدان معنی است که هر زن به طور متوسط کمتر از ۲.۱ فرزند دارد. اگر باروری و زاد ولد زیر سطح جایگزینی (جایگزین جمعیت پیر و از دست رفته) باشد (در غیاب مهاجرت) جمعیت مردمی که در آن کشور زندگی می کنند و آن کشور را تشکیل می دهند رو به افول می رود. باروری پایین برای هویت و بقای ملی بسیار مهم است چون جمعیت کمتر می تواند توازن قوا را نسبت به سایر ملتها تغییر دهد. تعداد جمعیت در یک کشور با افزایش قدرت اقتصادی و نظامی یک کشور برابر می باشد. بنابراین جمعیت زیاد نیز به معنی قدرت بیشتر در نظام بین الملل می باشد (king, 2002:17). کاهش جمعیت و افزایش جمعیت سالخوردگان در حال شکل گیری است که تعداد افراد نیروی نظامی کشور را متحول می کند. تغییر در هرم سنی و حرکت به سمت کهنسالی و نبود توازن در نسبت تعداد زن و مرد موجب کاهش تعداد افراد شاغل در نیروهای نظامی می شود. در حالی که خانواده ها در جوامع سنتی، داشتن فرزند را هدیه خداوند تلقی می کردند ولی امروز در ارزشها و فرهنگ خیلی از جوامع تحت تاثیر مدرنیته و گسترش فمینیسم و مشکلات اقتصادی، تغییرات جدی ایجاد شده است. فردگرایی و تمرکز به داشته خود و عشق به مصرف گرایی، وسایل مادی و عشق به خودمان با عشق به

دیگری و فرزند هماهنگ نیست. در خانواده‌ها فرهنگ و سرمایه‌های اخلاقی و انسانی ساخته می‌شود ولی هر چه خانواده تضعیف و کم رنگ شود شاهد زوال باروری و کاهش سرمایه‌های مختلف خواهیم بود.

در برخی از کشورهایی که با کاهش مولید و نیروی انسانی مواجه هستند مجبورند که با پذیرش مهاجران از کشورهای مختلف این کمبود را جبران کنند. مهاجرت در کشورهای مهاجر پذیر می‌تواند سبب تغییراتی در هویت ملی یک کشور شود و به تبع آن امنیت ملی یک کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد. مثلا کوزوو را در نظر بگیرید. در این کشور، اکثریت صربها در اواخر قرن نوزدهم زندگی می‌کردند. مهاجرت صربها به خارج از کوزوو و مهاجرت آلبانیایی‌ها به کوزوو و میزان زاد و ولد بالای آلبانیایی‌ها ترکیب قومی کوزوو را طی قرن گذشته تغییر داد. صربها و آلبانیایی‌های ملی‌گرا هم اکنون بر سر هویت ملی این منطقه مبارزه می‌کنند. آمریکا تاریخ طولانی مهاجر پذیری دارد اما هویت ملی غالب در این کشور، سفید پوست و اروپایی است. مهاجرانی که وارد آمریکا شدند نامهای خود را تغییر دادند تا با این ترکیب هماهنگ شوند و شبیه فرهنگ ملی آنگلو شوند که بیشترین سلطه را در آمریکا دارد (King, 2002:18).

- کاهش جمعیت فعال و توانا برای استخدام در بخش فعالیتهای نظامی و اقتصادی، مشکلات عدیده‌ای چون گرایش کشور به جذب نیروی کار خارجی، به هم خوردن تعانس جمعیتی ناشی از ورود مهاجران به کشور، خروج ارز از کشور، مشکلات عدیده در بخش صنایع، تولید و ساخت ابزارهای صنعتی و نظامی می‌شود. چون کشور در فراهم کردن نیرو و افراد کافی و ماهر ناتوان است مجبور به اسخداست مستشار و نیروی خارجی می‌شود لذا این امر قدرت نظامی، اقتصادی و استقلال سیاسی و اقتصادی کشور را به مخاطره می‌اندازد و قدرت نظامی و اثرگذاری سیاسی کشور را کاهش می‌دهد. کاهش قدرت نظامی و اقتصادی یک کشور، جایگاه و موقعیت کشور را به لحاظ سیاسی و امنیتی در جهان کاهش خواهد داد (متقی، ۱۳۹۳: ۵۶۷-۵۶۸). امروزه کشورهای بسیاری وجود دارند که رشد جمعیت آنها بیشتر ناشی از افزایش مهاجرت است و فرهنگ مهاجران در آینده به فرهنگ غالب در این جوامع تبدیل می‌شود از جمله در اروپا و آمریکا. این نکته برای جوامع اسلامی مطلوب است چون غلبه فرهنگ اسلامی در جوامع غربی فی‌نفسه برای گسترش هویت اسلامی و ارزشهای اسلامی مطلوب است اما اگر زوال جمعیتی و کاهش رشد جمعیت در خاورمیانه و کشورهای آسیایی و آفریقایی ادامه یابد قطعاً بر روند مهاجرت و جمعیت کار خیلی از کشورها اثر منفی خواهد داشت.

تغییرات جمعیتی می‌تواند توازن قدرت بین جمعیت اکثریت و اقلیت درون کشورها را تغییر می‌دهد

(Bookman, 1998: ۱۰-۱).

۲-۶. چالش امنیت اجتماعی

نگرشهای القا شده فمینیستی، از سوی دیگر، نظام خانواده و مادری را چنان در جهان متزلزل نمود که کمترین تاثیر آن بحران هویت، افزایش بزهکاری، افزایش طلاق و کاهش مولید و بحران معنا می‌باشد. جنبش فمینیسم

چند تاثیر مهم دیگر برجای گذاشت. ستیز با خانواده و مادری، انکار غریزه مادری و خانواده تهی از مرد. فمینیسم با انگیزه های تاریخی و عوامل اجماعی در بروز آن، زنان را در موقعیتی قرار داد که دیگر تمایلی به تجربه نقش مادری نداشته و خود را درگیر مسائل جذاب تری از بارداری، زایمان، شیردهی و تربیت فرزند کرد. موقعیت اجتماعی، درآمد منظم و تضمین شده، سرگرمی های لذت بخش خارج از منزل و ارضاء خواسته های مادی و معنوی از جمله عوامل مشوق زنان در خودداری از پذیرش نقش مادری بود (سیاح و حسینی مجرد، ۱۳۹۰: ۶-۱۰).

گاری آن در کتاب خود با عنوان "هیچ کس جرات ندارد آن را توطئه بنامد" می نویسد: گروهی که قدرت واقعی را در امریکا در دست دارند با اجیر کردن دانشمندان مختلف درصدد یافتن راه تسلط بر جهان می باشد و در این رهگذر، طرح ۱۹۸۴ را ایجاد نمودند که طبق آن مردم جهان شاهد کاهش منظم جمعیت، عقیم سازی اجباری مردان و زنان یا هر چیز دیگری خواهد بود که این طراحان دانشمند برای برقراری کنترل مطلق در مدینه فاضله خود لازم می دانند (الن، ۱۳۶۳: ۲۰۸).

نماینده چین در کنفرانس بخارست در سال ۱۳۵۳ هشدار داده بود که جنجال در مورد انفجار جمعیت یک حقه استعماری برای نابود کردن خلقهای آفریقا و آسیا قبل از تولد است. هدف دوم آنها جلوگیری از ایجاد مصرف کننده جدید و جلوگیری از صنعتی شدن کشورهای اسلامی و جهان سوم است. رشد جمعیت در جهان سوم سبب می شود تا مواد اولیه لازم برای صنایع غرب که به طور اعم از همین سرزمینهای عقب نگه داشته شده تامین می شود دچار وقفه شود پریزیدنت جانسون هم دقیقا بر همین ذهنیت است وی می گوید هرگاه همه ساکنان زمین، سطح زندگی بالایی چون مردم آمریکا به دست آورند در آن صورت باید ۲۰ میلیارد تن آهن، ۳۰۰ میلیون تن سرب، ۳۰۰ میلیون تن قلع در سال تولید شود و ما می دانیم که جهان به چنین منابع عظیمی دسترسی ندارد. استاد فلسفه دانشگاه نیویورک، پاول کورتس نیز معتقد است که اگر همه کشورها از جمله جهان سوم بخواهند یک استاندارد زندگی یا مصرفی همانند جامعه امریکا بدست آورند فشار بر منابع جهان عظیم خواهد بود لذا هر کوششی توسط کشورهای فقیر که خود را به سطح زندگی امریکایی برسانند فاجعه است (الهی، ۱۳۸۶: ۱۵۴).

پریزیدنت جانسون، رئیس جمهور آمریکا معتقد است کمبود روبه رشد منابع جهانی، نبوغ و پول آمریکا را به برنامه غذا برای آزادی متعهد کرده است. در این برنامه جانسون رابطه انفجار جمعیت جهان با بحران جهانی غذا را برجسته می کند و به عنوان یک موضوع در دستور کار سیاست خارجی آمریکا قرار می دهند. از نظر آمریکا و جانسون، هدف برنامه غذا برای آزادی حل مسئله گرسنگی بود که اگر این مسئله مهار نمی شد هیزم آتش انقلاب در نواحی که هنوز کمونیست نفوذ نکرده بود فراهم می کرد. به علاوه، چهره های برجسته ارتش آمریکا فحطی و افزایش جمعیت را عامل شروع جنگ جهانی سوم در آینده معرفی کردند و هشدار دادند که اگر کشورها قادر به کنترل جمعیت خود نباشند در حالی که مردمان این کشورها گرسنه، بی سواد و فاقد مسکن هستند سرانجام در این کشورها انفجار جمعیتی رخ می دهد و این اضافه جمعیت می تواند

توسط هر مستبدی با وعده دست یابی به چیز بهتر تحریک و دستکاری شوند. لذا اگر ما مسئله جمعیت را حل نکنیم جنگ در آینده حتمی می باشد. در اواخر دهه ۱۹۶۰، سازمان توسعه بین‌المللی به یک عنصر کلیدی در این حوزه تبدیل شد و اقدام به انعقاد قراردادهایی با دانشگاه‌های کشورهای جهان سوم، آمریکا و دیگر گروه‌های پژوهشی، برگزاری جلسات سیاسی و ترجمه نتیجه این پروژه‌ها و جلسات به پروژه‌های عملی برای توزیع برنامه‌های کنترل موالید در سطح جهانی نمود (Solinger, 2016:63-98). پریزیدند نیکسون و جان دی راکفلر در سال ۱۹۷۲ نسبت به رشد جمعیت به عنوان یک تهدید هشدار می دهند و معتقدند باید طیفی از اقدامات کنترل جمعیت برای نشان دادن این تهدید آشکار برای رفاه انجام گیرد. علاقه عمده نیکسون به کنترل جمعیت ارزش فرضی آن به مثابه یک سلاح جنگ سرد بود. نیکسون، هنری کسینجر، مشاور امنیت ملی خود و وزیر خارجه را موظف کرد تا مطالعه مخفی درباره نقش اقدامات کنترل جمعیت در نبرد بر علیه کمونیسم جهانی و اسلام انجام دهد. کسینجر گروهی از کارشناسان شورای امنیت ملی، آژانس اطلاعات مرکزی، وزارت دفاع، وزارت کشور و دیگر نهادها را برای بررسی این مسئله بسیج کرد. و نتیجه این مطالعه در قالب یک سند طبقه بندی شده تحت عنوان پیامدهای رشد جهانی جمعیت برای منافع امنیتی و خارجی آمریکا منتشر شد.

در میان اولین اصول سیاستهای باروری یا زاد و ولد که مبنایی برای تشکیل ملت و دولت جدید آمریکا قرار گرفت می توان به موارد زیر اشاره کرد:

-سلطه بر بدن‌ها یا پیکرهای تولید مثل زنان برای حل روابط قدرت و نیروی کار در آمریکا و سپس در بقیه جهان ضروری و حیاتی می باشد.

-حفظ، نگهداری و گسترش قوانین و سیاستهای نژاد پرستانه مورد نیاز بردگی نژادی که حاکم بر حیات زاد و ولد و رابطه جنسی زنان می باشد، ضروری است

-حفظ و تداوم شهروندی مشروط و لایه ای برای زنان، به طور برابر به این قوانین و سیاستها وابسته بود

(Solinger, 2016:1-5).

پیری جمعیت ذاتا چیز بدی نیست و هر چه جمعیت کشور عمر بیشتری داشته باشد و بتواند تجربیات و دانش خود را منتقل کند مطلوب است اما باید به ازای هر نفر که بازنشسته می شود تعداد مناسبی هم به نیروی کار و جمعیت جوان افزوده شود. امروزه کاهش جمعیت و افزایش پیری جمعیت ریشه بسیاری از مشکلات از جمله مشکلات اقتصادی، کاهش سرمایه گذاری، مستمری و مالیات و تقاضا برای مسکن است. و حتی ممکن است سیستم تامین اجتماعی کشورها را مختل کند. برخلاف باور افرادی که اعتقاد دارند کاهش جمعیت باعث کاهش معضلات زیست محیطی و آرامش طبیعت می شود اما در آینده مراقبت از جمعیت گسترده سالخورده و تامین مزایای آنها می تواند هزینه بیشتری نیز داشته باشد و مراقبت از سالمندان سخت تر می شود.

در پژوهش حاضر از بعد سیاسی و امنیتی به بررسی تاثیر حرکت های جمعیتی به خصوص سالخوردگی بر امنیت ملی کشور پرداخته شد و تاثیرات احتمالی پیری جمعیت بر امنیتی ملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پیوند بین جمعیت و امنیت نشان می دهد که جمعیت توانایی کشورها برای نمایش قدرت را شکل می دهد. اما در خصوص امنیت ساختاری، کاهش مولید و افزایش جمعیت سالخورده در کشور، توانایی دولت برای تامین نیازهای جمعیت را به چالش می کشد و پیری جمعیت فشار گسترده ای را بر رشد اقتصادی و بودجه ملی وارد می سازد. میزان جمعیت سالخورده وابسته و نیروی انسانی اندک به معنی این است که کشورها قادر به تامین مزایا و منابع عمومی برای جمعیت کشور حتی برای سالخوردگان نیستند. اگر تهدیدات نظامی علیه یک کشور همچنان وجود داشته باشد قطعاً سالخوردگان و تامین نیازهای آنها سخت تر می شود. برخی نیز معتقدند که افزایش سالخوردگی جمعیت کشورها، توانایی آنها برای انجام مداخلات بشردوستانه و حمایت از دوستان و متحدان منطقه ای و جهانی خود را کاهش می دهد و حتی توانایی آنها برای بازسازی پس از جنگ در این کشورها را تضعیف می کند.

برخلاف نگاه های بدبینانه، رشد جمعیت در جهان سوم و کشورهای اسلامی، خطر قحطی و گرسنگی را گسترش نمی دهد و آنچه سبب فقر جهانی و ناامنی سیاسی و اقتصادی شده است تقسیم ناعادلانه تولیدات و اعمال سیاستهای استعماری عامل اصلی این نابسامانی هستند و کنترل جمعیت در کشورهای اسلامی به خصوص ایران راه حل اساسی برای مبارزه با فقر و مشکلات اقتصادی نیست بلکه خود می تواند عاملی در توسعه فقر جهانی باشد. در بعد اقتصادی، کاهش جمعیت می تواند امنیت تولید و رشد اقتصادی کشور را به مخاطره اندازد و سبب رکود، ایستایی و اخلال در تولیدات صنعتی و نوآوری شده و جذب نیروی انسانی خارج از کشور را در پی داشته باشد که این مسئله تبعات فرهنگی و اجتماعی نیز به نوبه خود در پی دارد. در بعد سیاسی، کاهش جمعیت و عدم تعادل در ساختار جمعیت، کشور را با مشکل کمبود نیروی انسانی ماهر، توانا و فعال در بعد دفاعی و مدیریتی مواجه می کند و در چنین شرایطی، دولتها در تامین امنیت کشور ناتوان بوده و زمینه رشد افراط گرایی، ناامنی و واگرایی در کشور و تضعیف همبستگی ملی فراهم می شود. توازن در ساختار جمعیتی کشور می تواند مانع ایجاد بحرانهای سیاسی و اجتماعی آینده در کشور شود. همچنین از لحاظ اقتصادی، کاهش جمعیت، تامین مالی ارتش و بودجه دفاعی کشور را می تواند تحت تاثیر قرار دهد؛ چون جمعیت روبه افزایش پیری و سالخوردگی منابع مالی زیادی که می توانست برای هزینه های دفاعی اختصاص یابد مصرف خواهد کرد. قطعاً تقویت خانواده و حمایت از خانواده ها راه حل کاهش خیلی از مشکلات اجتماعی و اقتصادی می باشد. داشتن رشد جمعیتی مناسب باعث افزایش نوآوری و بهره وری می شود و رشد اقتصادی را هم به دنبال دارد. چون نمی توان از یک طرف با کاهش شدید جمعیت مواجه بود و از طرف دیگر انتظار افزایش رشد بهره وری و نوآوری داشته باشیم چون همه افراد از استعداد نوآوری برخوردار نیستند و نوآوری هم به تحصیلات بالا نیاز دارد. در واقع شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر را

باید اینگونه تغییر داد: جمعیت متناسب و کافی برابر است با نوآوری و بهره‌وری بیشتر و افزایش افراد مبتکر.

منابع:

- آربلاستر، آنتونی (۱۳۶۷)، *ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب*، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، تهران.
- آلن، گاری، (۱۳۶۳)، *هیچ کس جرات دارد آن را توطئه بنامد*، ترجمه عبدالخلیل حاجتی، موسسه خدمات فرهنگی رسا
- الهی، همایون، (۱۳۸۶)، *شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم*، انتشارات ققنوس، تهران
- رمضان نرگسی، رضا، (۱۳۹۰)، *انقلاب مشروطه و نقش رشد جمعیت جوان در آن، نشریه معرفت*، سال بیستم، شماره ۱۷۱، صص: ۱-۵
- سیاح، مونس، حسینی مجرد، اکرم، (۱۳۹۰)، *بررسی بحران مادری در جهان غرب و تأثیرات آن بر جامعه ایرانی، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، شماره ۵۳، پاییز، صص: ۳-۱۷
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۱)، *ژئوپلیتیک*، تهران، انتشارات سمت.
- متقی، افشین (۱۳۹۳)، *تغییرهای ساختار جمعیتی جمهوری اسلامی ایران: آسیب شناسی و ظرفیت‌سنجی مسائل امنیتی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۴۷، شماره ۳، صص: ۵۵۷-۵۷۵
- Buzan, B. (1983). **People, States, and Fear: The National Security Problem in International Relations**. Brighton: Wheatsheaf.
- (Bookman, Milica Zarkovic ۱۹۹۸), **The Demographic Struggle for Power: The Political Economy of Demographic Engineering in the Modern World**, Portland, OR: Frank Cass
- King, Leslie, (2002), Demographic trends, pronatalism, and nationalist ideologies in the late twentieth century, *Ethnic and Racial Studies* Vol. 25 No. 3 May . pp. 367-38.
- Russel, Bertr, (1964), **Population Pressure And War**. P:1
- Mudd. Stuart, (1964), **Population Crisis, And The Use Of World Resources**, Pp:6-11
- Malthus, .T.R, (1890), **An Essay On The Principle Of Population**, London, P:4

- Global Population,) **Prediction and Control**: (۲۰۱۵) Emily R. Merchant
in the Twentieth Century. University Population Science, and Population Politics
of Michigan
- Marks Karl and Friedrich Engel, (1963), *Sochineniia*, vol. 26, part 2, 2nd ed.
Moscow, 122.
- Nichiporuk, Brian (2000) **The Security Dynamics of Demographic Factors**.
RAND Monograph Report. Document Number MR
- Solinger, Rickie, (2016), **Bleeding across Time, First Principles of US
Population Policy**. pp:1-5
- Stuart, corbridge, (1988), **capitalist world development**. Macmillan p.74
- Sciubba, Enrico (2011) Exergy-Based Population Dynamics, *the Journal of
Industrial Ecology*, Volume15, Issue2, pages172-184
-) 'the hidden agenda: abortion politics in Israel', *Journal of* ۱۹۹۳-Yishai, YAEL (
۲۱۲-۱۹۳, pp. ۲, no. ۲۲ *Social Policy*, vol.
- Zubrin, Robert, (2012) "The Population Control Holocaust," *The New Atlantis*,
Number 35, spring 2012, pp. 33-54.
- Warf, barey (1991), power, politics and locality, *urban geography*, vol12, p.568

تحولات دفتر تحکیم وحدت